



عکس‌ها:حامد بدیعی

این روزها صدای علی لهراسبی را روی تیتراژ سریال «دلنوازان» می شنویم که حسایی جاباز کرده؛ خواننده‌ای که معمولاً ترانه‌های غمگین می خواند و عاشقانه

سلطان غم‌ها!

مهدی معزی

کافی است یک ساعتی توی پیاده‌روی یک خیابان شلوغ راه بروید تا بالاخره از اسپیکرهای حداقل یکی از ماشین‌ها تیتراژ سریال «دلنوازان» را بشنوید؛ «حال من دست خودم نیست... دیگه آروم نمی‌گیرم...». این روزها صدای علی لهراسبی همه جای شهر و به خصوص در ام‌بی‌تری پلیرها ی جوانان خیلی شنیده می‌شود؛ خواننده‌ای که هر شب با سریال دلنوازان به خانه‌های ما می‌آید و از حس تلخ ترسیدن می‌خواند. او این روزها حسایی سرش شلوغ است. قطعا هم از اینکه این تیتراژ این‌قدر ماندگار شده، خوشحال است و انرژی‌اش را برای انتشار آلبوم سومش کنار گذاشته. شب‌ها تا دم صبح کار می‌کند تا توقع طرفدارهایش را بی‌جواب نگذارد. با او از دلنوازان، آلبومش و عاشقی حرف زدیم؛ با همان غمی که توی صدایش است. بگذاریم که خودش می‌گوید آن‌قدرها هم عاشقانه‌غمگین نخوانده؛ «من که قطعه‌های ریتمیک هم خیلی دارم»!

● **علی لهراسبی همه نوع آهنگی دارد اما در میان آنها، آهنگ‌های ملایم و غمگین بازمینه عاشقانه، بیش از بقیه محبوب شده و سر زبان‌ها افتاده.** این غم، این عشق و این حال و هوا از کجا آمده؟ آدم غمگینی هستید؟

نه من آدم غمگینی نیستم اما مفهوم کار عاشقانه‌خواندن نمی‌تواند از غم جدا باشد. البته بگذارید واژه بهتری را به جای غم بگذاریم؛ چیزی شبیه دل‌تنگی یا اضطرابی دوست‌داشتنی یا دلپهر شیرین. به نظرم این حس با غم فرق دارد. به نظر من کار عاشقانه خواندن نمی‌تواند خیلی شاد و شنگول

● **فکر می‌کنید چرا این‌قدر موسیقی تیتراژ دلنوازان گرفت؟ اصلا فکرش را می‌کردید؟**

نمی‌دانم. لابد خوب بوده دیگرا! دلنوازان اولین سریال جدی من بود؛ برای همین همه سعی ام را کردم تا اشتباه نکنم. بیشترین زمان تولید این موسیقی، به فکر کردن گذشت. می‌خواستم موسیقی خالصانه باشد. تقریبا هم هشت تا گزینه داشتم که در نهایت این دو تیتراژ انتخاب شد. البته کسانی هم که با آنها در این تیتراژها کار کردم، خیلی موثر بودند. حال و هوای همگی ما شبیه هم بود. اما درمورد اینکه می‌پرسید فکرش را می‌کردم، بگنید، بگذارید رک بگویم. در بین اهالی موسیقی، جمله‌ای معروف است که می‌گوید هیچ کس نمی‌تواند تضمین کند کاری که انجام می‌دهد، قطعا می‌گیرد. شما نمی‌توانید در موسیقی از کسی بخواهید کاری انجام دهد که فردا در ایران بتر کند. در مورد دلنوازان هم همین‌طور است. روزی که با مهران مهمان تهیه‌کننده – حرف زد، خیلی نگران بود. موسیقی خیلی خوبی می‌خواست. من هم همه تلاشم را کردم و نتیجه هم خوب شد.

● **چه شد که موسیقی این کار به شما پیشنهاد شد؟**

این تیتراژ، دومین کاری بود که من با حسین سهیلی‌زاده انجام دادم. بعد از «پيله‌های پرواز» مدت‌ها بود که من و حسین سهیلی‌زاده می‌خواستیم با هم کار کنیم که بالاخره دلنوازان کلید خورد. یک ماه قبل از شروع ضبط، کار را به من سفارش دادند و من هم این کار را به آقای عبدالجبار کاکایی سفارش دادم. او هم از ترکیب دو ترانه، آن را نوشت که در ادامه کار با ویرایش‌های مختلفی همراه شد. موسیقی این تیتراژ را هم محسن یگانه نوشت. تنظیم‌کننده آن بهروز صفاریان بود و من هم آن را خواندم. تیتراژ دوم به نام «خدایا» هم بعد از ۲۵شب پخش شد که موسیقی‌اش حاصل کار فواد غفاری و مهدی خیرخواهی و ترانه‌اش هم از پویا بیاتی بود.

● **ترانه‌ای که برای این سریال خوانده شده، هدفمند بوده و مثل بعضی ترانه‌های قبلی اتفاقی نیست؛ نه؟**

بله؛ سریال دلنوازان یک کار عاشقانه است و درباره اجرای ترانه آن با آقای حسین سهیلی‌زاده، کارگردان و ایرج محمدی و مهران مهمان، تهیه‌کنندگان کار خیلی صحبت کردیم. قرار هم بر این بود که یک کار عاشقانه را اجرا کنیم اما طوری نباشد که قصه در ترانه لو برود؛ ضمن اینکه خیلی هم از فضای قصه دور نباشد. به هر حال به دست آوردن ترانه، موسیقی، لحن و فضایی که همه این فاکتورها را داشته باشد، کار سختی بود.

● **انگار برای پخش شش اول هم به مشکل خوردید؟**

در شب اول ما به میکس قطعه نرسیدیم. بعد از آن هم اتفاق تلخی برای من اتفاق افتاد چون که این آهنگ با همان کیفیت در اینترنت قابل دسترسی و دانلود شد. با تمام این اوصاف من دوست دارم که مردم میکس جدید را گوش بدهند.

● **نکته‌ای که در کارنامه شما به چشم می‌خورد این است که به نظر جز و خواننده‌های پاپی**

هستید که تلویزیون از شما حمایت می‌کند، نه؟

اجازه بدهید برای شما کامل در این مورد توضیح بدهم. سال ۷۹ بود که من رفتم تلویزیون. روزی که رفتم، آقای شهبازیان آنجا بودند. اتفاقا محمد اصفهانی هم آنجا بود. دو تا قطعه بردم که گفتند گوش می‌دهیم و شمارا خبر می‌کنیم. بعد از مدتی به من مجوز خوانندگی دادند چون فکر می‌کنم کارها را خیلی تمیز خوانده بودم. آن کارها در آرشسیو ماند. دو

ماه بعد یک نفر به من زنگ زد که بیا و برای تیتراژ سریال «کلبه سفید» بخوان.

بعد یک کلیپ به من پیشنهاد شد به اسم «راز زندگی». این اتفاقات خیلی به من انگیزه داد؛ تا جایی که دیگه نتواندم و رفتم کلاس آواز محمدرضا صادقی. بعد از یک سال پرایدم را فروختم و شروع کردم به تولید آلبوم. اولین آلبومی که ضبط کردیم، «ترانه‌ساز» بود که دو دکتر چراغعلی این کار را انجام داده

بود. چند روز بعد محمدرضا چراغعلی به من زنگ زد و گفت آقای رسام صدای تورا شنیده و خوشش آمده و بعد تیتراژ سریال «دریایی‌ها» را که قرار بود یک نفر

دیگر بخواند، خواندم.

● **بعد از دریایی‌ها هم نوبت پيله‌های پرواز بود.**

برای سریال پيله‌های پرواز آقای جمشید مشایخی، تهیه‌کننده کار با من صحبت کرد. فکر می‌کنید ایشان کجا من را پیدا کردند؟ در برنامه زنده «مهبتاب» دعوت بودم. بعد از برنامه تهیه‌کننده گفت که تلفن کارت دارد. منشی آقای مشایخی بود. گفت مدتی است که دنبال شما می‌گشتم ولی کسی شماره شما را نداشت. آقای مشایخی با شما کار دارند. رفتم دفتر آقای شیاه‌محمدی. به من گفتند ما داریم سریالی می‌سازیم که می‌خواهیم تیتراژ آن را بخوانی. من صدای تورا در سریال دریایی‌ها خیلی دوست داشتم و همچنین «حسن غریب» را. همین دو تا کار را هم مردم شنیده بودند. آلبوم من هم آمده بود ولی

نگرفته بود. آن موقع من تازه با بهروز

صفاریان آشنا شده بودم. بهروز ماکتی از کار «راز» را به‌عنوان تست پیش آقای مشایخی برد که ایشان خوششان آمد و گفت همین را تمام

کنید.

● **نکته همین است که کار بعدی شما هم که خیلی گرفت، تیتراژ «عبور شبیشه‌ای» بود.**

ماجرای آن ترانه که فرق داشت. محمد قنبری به من، حامی و نیما مسیحا گفت که یک برنامه روتین شبانه دارم. در ایومتان یک موزیک دو دقیقه‌ای که به درد این برنامه بخورد دارید یا نه؟ هیچ‌کس نیاورد. یک روز

بسه من زنگ زد و گفت که چرا هیچ کدامتان موزیک نیاوردید؟ من چند شب دیگر برنامه‌ام شروع می‌شود.

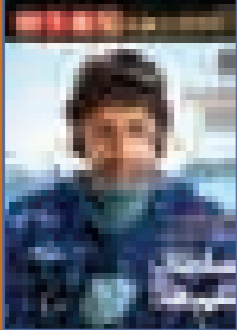
تعاون، کاری را سفارش گرفته بودیم اما این کار را رد کردند و گفتند خبلی بد است. به محمد قنبری گفتم یک کاری دارم که زیاد به برنامه شما نمی‌خورد؛ «بی‌تو بودن کار من نیست...». گفت می‌شود بفرستی و گوش کنیم؟ بهروز از خانه‌شان آژانس گرفت و کار را فرستاد. این دو نفر اصلا

همدیگر را ندیده بودند. دو ساعت بعد زنگ زدند و به اتفاق رضارشدیپور گفتند که این خیلی خوب است. بعد هم نوبت سریال‌های مختلف شد. «هویت» را خواندم چون آهنگسازش شهاب اکبری

بود و دوست داشت که من بخوانم. بعد کار سریال

جواد هاشمی را انجام دادم که کلی هم نقد شد.

خیلی‌ها می‌گفتند چرا خواندی. به هر حال من شاگرد



«مثلث» و «دریایی‌ها» آلبوم‌های قبلی لهراسبی هستند. حالا هم آلبوم «۱۴» با ۱۲قطعه شنیدنی در راه است

جواد هاشمی بودم. این، همه اتفاقاتی است که برای من در تلویزیون افتاده. کجا به علی لهراسبی سریال روتین داده‌اند به غیر از دلنوازان که الان در حال پخش است؟ پس خیلی هم تلویزیونی نیستم.

● **چند وقتی حال و هوای موسیقی پاپ کشور به حالت سسکون در آمده بود و به نظر می‌رسید**

انگیزه کار کردن در بین این اهالی از بین رفته!

اینکه کسی انگیزه نداشته، اشتباه محض بوده اما تمام کسانی که من می‌شناسم، به سرعت در حال کار کردن بودند. هیچ توقفی هم در کارشان نبود؛ از خود من گرفته تا بقیسه. این را که خروجی آلبوم‌ها به تاخیر افتاده، قبول دارم. شما باید در شرایطی خوب و مناسب آلبوم موسیقی را به بازار بدهید. امسال اتفاقاتی افتاده بود و تمام شد؛ به همین دلیل عده‌ای انتشار آلبوم را عقب انداخته بودند. موقعیت مردم برای پذیرش یک آلبوم تازه وارد به بازار، خیلی مهم است. مردم باید بتوانند به موسیقی گوش بدهند و فراغت داشته باشند. موقعیت خواننده هم خیلی مهم است؛ شرایط فردی او و از همه مهم‌تر اینکه انتشار آلبوم او با انتشار آلبوم رقبایش تداخل نداشته باشد چون به این ترتیب سلیقه مردم، تقسیم می‌شود.

● **به هر حال نمی‌شود نشست تا شرایط به**

اینتال برسد.

ببینید، موسیقی اعم از موسیقی پاپ و... وقتی به گوش مردم برسد، می‌تواند شرایطشان را عوض کند. مهم این است که موسیقی ابتدا شنیده شود و بعد وارد مراحل بعدی شود تا تأثیر گذار باشد. اما آیا مردم ما موسیقی را در وهله اول می‌شنوند؟ الان در شرایطی هستیم که مردم خیلی در شرایط شنیدن موسیقی نیستند؛ در صورتی که اگر بشنوند، ما می‌توانیم کار فرهنگی – اجتماعی بکنیم و آنها را به تفکر واداریم.

● **این یک قضیه دوطرفه است. اول باید آلبوم‌های متنوع وارد بازار شوند تا مردم گوش بدهند. اگر چهره‌های موسیقی پاپ آلبوم بدهند، طبیعتا این فضا شکسته می‌شود و مردم موسیقی را می‌شنوند.**

بله، کاملا درست است. برای همین هم من تمام تلاشم را کردم تا آلبوم هر چه سریع‌تر به بازار بیاید اما اگر آلبوم من آماده بود، مطمئنا در تیرماه آلبوم را بیرون نمی‌دادم چون در آن روزها مردم آمادگی شنیدن موسیقی را نداشتند.

همشهری جوان

شماره ۲۲۲ • ۲ آبان ۸۸

آلبومی که بالاخره می‌آید
وسواس زیادی به خرج دادم

این روزها درمورد آلبوم جدید علی لهراسبی تا دلناتن بخواهد حرف و حدیث وجود دارد؛ آلبومی که با تاخیر عجیب و غریبی می‌خواهد به بازار بیاید.

● **بعد از «دریایی‌ها» سه سال طول کشید که «مثلث» را به بازار بدهید. حالا مدام اخبار مختلف در مورد آلبوم جدیدتان وجود دارد اما خودش نمی‌آید. این آلبوم خیلی طول نکشیده؟ ما فکر می‌کنیم ممکن باشد دلیلش زوج شما و بهروز صفاریان باشند که خیلی با هم وسواس روی کار دارید.**

در «مثلث» من داشتم خودم را پیدا می‌کردم. تاخیر در انتشار مثلث، تقصیر خودم بود اما حق با شماست. جنس کار کردن با بهروز صفاریان و حساسیتی که ما داشته‌ایم، در تاخیر در انتشار آلبوم جدید، بی‌تأثیر نبود. همیشه در کار کردن با بهروز صفاریان این تاخیر طبیعی است. انتخاب کارها در این آلبوم طول کشیده.

می‌دانید چرا؟ چون من می‌خواستم در این آلبوم، جهشی داشته باشم. دوست داشتم جنس موزیکم را عوض کنم. برای همین این آلبوم هیچ ربطی به مثلث ندارد. این آلبوم خیلی به‌روز تر است و به لحاظ کلام، خیلی ساده‌تر شده. به نظرم خیلی نزدیک به سلیقه مردم است اما آلبوم بعد اگر عمری باقی باشد، یک سال بعد منتشر می‌شود؛ قول می‌دهم.

● **پس قبول دارید که وسواستان زیاد بوده؟**

من واقعا این وسواس را یک ایراد می‌دانم و دنبال برطرف کردن این اشکال هستم. اعتقاد دارم که وسواس زیاد، ممکن است حتی کیفیت را پایین بیاورد اما این بار سعی کرده‌ام آلبومی را تهیه کنم که با آلبوم‌های قبلی‌ام فرق کند.

● **تیمی هم که در این آلبوم با آنها کار کرده‌اید، کاملا متفاوت با آلبوم‌های قبلی‌تان است؟**

بله، به هر حال آلبومی متفاوت‌تر از قبل می‌خواستم. در آلبوم «۱۴» بهروز صفاریان مدیریت هنری کار و تنظیم بیشتر قطعات را به عهده دار. در این آلبوم دوستان خوبی از جمله

محسن یگانه، رضا صادقی، مهدی یراقی و امیر و آرش قنادی و محمداضا چراغعلی در آهنگسازی کمک کرده‌اند. البته ترانه‌های آلبوم هم حاصل کار چند تا از همین دوستان است. محسن یگانه، رضا صادقی، روزبه بمانی، عبدالجبار کاکایی، مونا برزویی و فوژان برقیان ترانه‌های خیلی خوبی برای این آلبوم کنار گذاشته‌اند.